

## تلنگر

## یاد مترح

امروز سالگرد مرگ محمد قاضی است. مترجم بزرگ ایرانی که یادگار هایش برای ادبیات ایران بسیار مهم و تاثیر گذارند. اگر بخواهید درباره زندگی او بیشتر بدانید، کافی است نگاهی به فهرست ترجمه‌هایش بیندازید و ببینید که چطور سال‌ها تلاش کرد سواد و آگاهی را با «شازده کوچولو»، «دن کیشوت»، «زوربای یوفانی»، «زادی یامرگ»... به متن جامعه‌ایرانی بیاورد. اگر نگاهی به کتاب «خاطرات یک مترجم» بیندازید، داستان زندگی او و تلاشی که برای ترجمه این کتاب‌ها داشته، با چهره‌ای آشنا می‌شوید که تمام‌سختی‌ها را به جان خرید و این میراث‌گران بهار را جا گذاشته است.

## شلیک از فاصله نزدیک

سید عبدالجواد موسوی

## بازید و شمشیر داموکلس

حاکمان در زمان معزولی

همه‌شیلی‌وبازیدشوند مابقی سخن حکیم البته تلخ است و حاوی این نکته که اگر دوباره به همین حاکمان معزول فرصت داده شود دیگر بار چنان کنند که پیش از این می‌کردند.
بایخش دوم سخن حکیم فعلا کاری نداردیم. بالاخره انسان با نسایان همزاد است و مدام در ساخت و غفلت از خویش به سر می‌برد اما چگونه می‌توان حاکمان را از خلق و خوی شمر و ویزید دور کرد و به شیلی و بازیزید نزدیک؟ آیا چاره‌ای جز عزل آنان وجود ندارد؟ در این سال‌ها کم نبوده‌اند حاکمانی که در زمان معزولی بالکل چهره دیگری از خود به نمایش گذاشتند. اصلا یکی از دلایلی که بسیاری از چهره‌های موسوم به سپ در ایران پس از انقلاب از گریبان اصلاح‌طلبی سر برآوردند همین موهبت زمان معزولی بود. به تعبیری توفیق اجباری نصیب آنهاشد تا در زمان معزولی با مردم کوچه و خیابان بیشتر نشست و برخاست داشته باشند. تا فرضی برای خواندن و اندیشیدن و تامل بیابند تا بتوانند اندکی از تیخت و تفرعن حاکمان فاصله بگیرند. البته این توفیق فقط نصیب سیاستمداران چپ رو نشده. در میان راستگر این‌هم بوده‌اند کسانی که این توفیق اجباری سبب فلاح و رستگاری‌شان شده. از قدیمی‌ها چند نفری رامی‌شناسم که اندکی فاصله گرفتن از سیاست به معنای معمول و مرسوم کلمه سرنوشت سیاسی‌شان را به کلی دگرگون ساخته و از جدیدی‌ها عزت‌الله ضرغامی که دارد به شیلی و بازیزید نزدیک می‌شود. جسارت و صداقت این روزهای آقای ضرغامی را باید به فال نیک گرفت و آن را از مواهب زمان معزولی دانست و اما پرسش سهمگین این است: آیا برای رسیدن به حداقلی از انصاف و عدالت تنها راه، عزل حاکمان است؟
متأسفانه در سرزمین ماچاره‌ای جز این نیست. یعنی مادامی که حاکمان به‌هیچ‌کس پاسخگو نباشند در، بر همین پاشنه خواهد چرخید، مگر اینکه نهادهای نظارتی همواره همچون شمشیر داموکلس بر فراز سر حاکمان در پرواز باشند تا اگر خطایی از آنان سرزد، بلافاصله آنها را اعزل کنند.

## شوکران نوش

## در زمزمه عشق

در کو‌ی خرابات، کسی را چه نیاز است هشیاری و مستیش؛ همه‌عین نماز است اسرار خرابات، به جز مست نداند هشیار چه داند، که در این کو‌ی چه راز است؟ خواهی که درون حرم عشق، خرامی؟ در میکده بنشین، که ره کعبه‌دراز است از میکده‌هانااله جانسوز برآمد در زمزمه عشق، ندانم که چه ساز است عراقی

## تخته‌سیاه

## تنها سهم ما از زمستان؛ گل‌های نرگس

سهم امسال تهرانی از زمستان، گل‌های نرگسی است که به روال سابق کنار گل‌فروشی‌ها یا در دست فروشنندگان خیابانی دیده می‌شود و دیگر هیچ. زمستان امسال تهران، نه برف دارد و نه باران. حتی سرما و کاهش دماهم‌شبهه‌همیشه‌نیست. این زمستان در تهران هیچ ندارد به جز گل‌های نرگس، گل‌هایی که اگر امسال به تهران نمی‌رسیدند، چهره شهر را از همیشه خاکستری‌تر می‌کردند. صبح یکشنبه را با گل‌های نرگس آغاز کنید و بدانید امروز هم هوا آفتابی است با دمای ۱۳ درجه. در بازار ارزهم هر یک دلار چهار هزار و چهارصد تومان است و هر یک یورو هم پنج‌هزار و چهارصد و شصت و پنج تومان.

## تیتیر مصور | مردم بیشتر از سیگار می‌میرند تا ترور



## نگاه آخر

## زخمی‌ها



جواد طوسی

دست خواهیم داد.

از واکنش و موضع‌گیری مسوولان رده‌بالای نظام این‌گونه استنباط می‌شود که وجود «زخم» در بطن جامعه و اقتشار اصلی‌اش را پذیرفته‌اند. همین انصاف و واقع‌نگری را باید به فال نیک گرفت. اولاً هوشمندی سیاسی - اجتماعی ایجاب می‌کرد که با همدلی و همراهی با مردم و جدی گرفتن مطالبات بحق‌شان نگذاریم این زخم شکل بگیرد. حال که این اتفاق افتاده است، لاقلاً با تحلیل درست شرایط موجود باید مانع از گهنه شدن این زخم و تبدیل آن به یک دصل چرکین شویم. لازمه این کار، همدرد بودن و تر و خشک کردن طیف زخم‌خورده جامعه است. ترجیح می‌دهم از یک فیلم ماندگار و تاثیرگذار سینمای خودمان که با موضوع بحث‌مان همخوانی دارد، مثال بزنم. در فیلم «گوزن‌ها» مسعود کیمیایی، قدرت با پهلوی زخمی به سراغ دوست قدیمش سید می‌آید. میزبان و تیمارکننده در وهله اول محرم بودن و یکرنگی‌اش را ثابت می‌کند، بعد در موقعیتی قرار می‌گیرد که حتی با رفیق قدیمی به مجادله کلامی می‌پردازد و نظر شخصی‌اش را ابراز می‌کند و در نهایت به همسویی می‌رسند. باور کردن اقتشار زخم‌خورده و دردکشیده، مستلزم این است که تو با همه وجودت زخم و درد را بشناسی و بفهمی فقر و تنگدستی و استیصال و نان‌ور یک خانواده بودن، در این آشفته‌بازار اقتصادی یعنی چه؟ بدانی گرانی بی‌ضابطه و عنان گسیخته و کارشناسی نشده، چه ضربه مهلکی به قشر بی‌پشتوانه جامعه وارد می‌سازد. متوجه باشی ثروتمند شدن دولت، نباید به فقر هر چه بیشتر مردم بینجامد. به این درک درست بررسی که تحریم و فشارهای اقتصادی

info@etemadnewspaper.ir  
www.etemadnewspaper.ir

این نامه اخلاقی حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** الیاس حضرتی
- جانشین مدیرمسئول و رییس شورای سیاست‌گذاری:** پهروز بهزادی
- سردبیر:** سیدعلی میرفتاح
- معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
- مشاور مدیرمسئول:** محمد حضرتی
- رتیس سازمان آگهی‌ها:** علی حضرتی
- نشانی:**خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن بست مینو
- تلفن‌خانه:**۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ **تمایز:**(۰۲۱)۶۶۱۲۴۰۲۱
- توزیع:** نشر گستر امروز ■ **تلفن:** ۶۱۹۳۳۰۰۰
- چاپ:**نشر روزتاب ■ **تلفن:**۴۴۴۵۰۷۶

■ **انان ظهر:** ۱۲/۱۳ ■ **غروب آفتاب:** ۱۷/۱۳ ■ **بختان مغرب:** ۱۷/۱۳ ■ **صبح صبح فردا:** ۵/۱۴ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۷/۱۴

## در همین حوالی

محمد دهقانی

در حوالی سالمرگ سید جعفر شهیدی **مجتهدی با نگاه منتقدانه**
این روزها و در کتاب‌ها موضوعات مختلف حول محور تاریخ اسلام را طوری می‌نویسند که انگار عین حقیقت است و غیر از این نیست. اما دکتر جعفر شهیدی از معدود کسانی بود که هیچگاه نوشته‌های مختلف را صرفاً به واسطه اعتقاد دینی نمی‌پذیرفتند و به‌طور جدی در مورد مباحث مختلف تردید می‌کردند. ایشان در عین حالی که از لحاظ دینی یک شیعه واقعا معتقد بودند، اما وقتی نوبت به پژوهش و دیدگاه علمی می‌رسید، نگاه بسیار منتقدانه‌ای به منابع دینی داشتند و حتی اگر در تالیف کتاب‌ها ناچار به برخوردی محتاطانه‌تر می‌شدند، در کلاس‌های درس این احتیاط را کنار می‌گذاشتند و خیلی راحت در مورد موضوعات مختلف اظهار نظر می‌کردند و از منظر نقادانه به بحث و بررسی می‌پرداختند. پدم می‌آید وقتی ایشان در کلاس به ما نهج‌البلاغه آموزش می‌دادند، در بخش‌های خاصی با اطمینان می‌گفتند که این نوشته‌ها فرموده امیرالمؤمنین نیست و به دلایل تاریخی و روان‌شناختی ثابت می‌کردند که این نوشته‌ها را به ایشان نسبت داده‌اند. نمی‌تواند فرموده‌مولا باشد. در دورانی که من شاگرد ایشان بودم، این طرز برخورد و رفتار ایشان برابم بسیار جالب بود چرا که ایشان در عین اعتقاد حقیقی به تشیع، هیچگاه دیدگاه‌های علمی و پژوهشی را فدای اعتقادشان نمی‌کردند و دست‌کم در کلاس‌ها از ادانه در باره همه موضوعات به‌خصوص منابع تاریخ اسلام بحث می‌کردند و به راحتی عقیده خودشان را ابراز می‌داشتند. توصیف دکتر جعفر شهیدی در چندین کلمه و حتی جمله، کاری سخت و نشدنی است چرا که شخصیت و کارنامه ایشان در قالب چندین جمله نمی‌گنجد اما اگر بخواهم برای جوانان امروزی که شاید برداشت کاملی از شخصیت ایشان ندارند، سخنی کوتاه بگویم، باید به این وجوه شخصیت ایشان اشاره کنم که دکتر جعفر شهیدی در عین حالی که به معنای فقهی کلمه مجتهد بودند، هم‌زمان در ادبیات فارسی و ادبیات عرب، ادیب مجربی بودند و همچنین تبحر حیرت‌انگیزی در تاریخ اسلام داشتند.



جهانی، نباید بیش از همه دامنگیر اقتشار کم‌درآمد و محروم شود. «زخم» یعنی بی‌عدالتی و گسترده‌گی شکاف طبقاتی، یعنی در دو قدمی رفاه بیش از حد و شکم‌بسیر، محتاج به نان شب و سیلی خورده رنجور و دشنام پست آفرینش را به وفور ببینی. زخم یعنی نادیده گرفتن حقوق شهروندی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. انسان ایرانی این مرز و بوم ممکن است با حوادث پیش‌بینی‌نشده‌ای چون آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو، زلزله و سیل و... همین آتش‌سوزی نفتکش ایرانی در سواحل شرقی چین روبه‌رو شود. دولت‌مردان باید به موقع سر صحنه حاضر شوند و نگاهی مدبرانه و مسوولانه نسبت به افسار بلا دیده داشته باشند. واقعا «ستاد بحران» در جامعه ما چه تعریفی دارد و این مجموعه، «بحران» را چگونه در جامعه و طبقه‌بندی‌های اجتماعی شناسایی می‌کند؟ متأسفانه جامعه سیاست‌زده، همه واژه‌های مطرح‌شده را از نگاه خود معنا و تفسیر می‌کند. «آشتی ملی» نباید پیشنه‌های همچنان شانیه‌برانگیز باشد. این توصیه دلسوزانه و در عین حال غیر تمندانه، یعنی خالی شدن از کینه و نفرت و تحمل و پذیرش افرادی که دل‌شان برای این خاک می‌تپد و ریکی در کفش‌شان نیست، ولی نسبت به شرایط ناکارآمد و ناعادلانه پیرامون‌شان اعتراض دارند.

## عکس‌نوشت



عصر روز شنبه و به مناسبت انتشار شماره چهارهزارم روزنامه اعتماد، الیاس حضرتی به تحریریه این روزنامه آمد. مدیرمسئول روزنامه اعتماد در صحبت‌هایی کوتاه از روزهای ابتدایی تاسیس این روزنامه گفت و اهدافی که در خرداد سال ۸۱ برای «اعتماد» تعریف کرد. به گفته حضرتی برنامه‌ریزی برای روزنامه اعتماد یک برنامه‌ریزی بلندمدت و چندین و چند دهه‌ای بود؛ اتفاقی که در آن روزها هم‌زمان با توقیف نشریات در اوایل دهه هشتاد و سختی انتشار سایر نشریات دیگر، اتفاقی نشدنی و محال بود. اما «اعتماد» برای ماندن تاسیس شد و ۱۵ سال با تمام سختی‌ها و مشکلاتی که پیش روی این روزنامه و مطبوعات ایران بود، دوام آورد. مدیرمسئول «اعتماد» در ادامه صحبت‌هایش از روزنامه‌نگاران و همکارانی یاد کرد که در تمام این سال‌ها در «اعتماد» فعالیت کرده‌اند و همراه این روزنامه بوده‌اند و از روزنامه‌نگاران امروز تحریریه «اعتماد» و مخاطبان همیشگی تشکر کرد. جشن کوچک روزنامه اعتماد برای شماره چهارهزارم با همین صحبت‌ها و عکس یادگاری به اتمام رسید تا اهالی تحریریه پشت میزهای خود باز گردند و برای شماره چهار هزار و یک و روزهای آینده «اعتماد» مشغول شوند.